



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The 14 rd.
Year/NO: 2 Summer 2021

بررسی احراز رابطه علیت در فرض تعدد عوامل مختلف در وقوع جنایت علیه نفس در فقه و حقوق ایران

عبدالمیر نیسی^۱ دکتر فرج الله براتی^۲ سید جاسم پژوهنده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۸

چکیده

یکی از شرایط تحقق مسئولیت کیفری، احراز رابطه علیت بین فعل مرتکب و نتیجه مجرمانه است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که رابطه علیت در حالت اجتماع عوامل متعدد در جنایت علیه نفس (قتل) به صورت اجتماع مباشرین متعدد و یا اجتماع اسباب متعدد و یا به صورت اجتماع سبب و مباشر چگونه احراز می‌شود؟ به منظور پاسخ به این سؤال باید گفت که گاهی این عوامل متعدد در عرض یکدیگر قرار دارند یعنی تأثیر عوامل در تحقق نتیجه (وقوع جنایت علیه نفس)، متوقف بر وجود یکدیگر نمی‌باشد، بلکه به طور مستقل و هم‌زمان با تأثیر سایر عوامل، منجر به ایجاد نتیجه واحد، می‌شوند هر چند زمان وقوع رفتار هریک از عوامل مؤخر یا مقدم بر دیگری باشد و گاهی در طول هم قرار دارند به این معنا که تأثیر عوامل هم‌زمان نبوده و به طور غیرمستقیم در تحقق نتیجه نقش داشته‌اند، و جنایت، مستند به همه عوامل نیست. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص اجتماع سبب و مباشر ملاک را انتساب عرفی جنایت قرار داد و نحوه‌ی مسئولیت هریک از سبب و مباشر را به میزان تأثیرشان قرار داده است. در صورت تعدد مباشر به صورت عرضی، نتیجه مجرمانه به حساب تمام عوامل گذاشته می‌شود همچنین، در فرض تعدد اسباب به صورت عرضی حکم به تساوی مسئولیت داده شده در اجتماع طولی اسباب، قانون‌گذار در ماده ۵۳۵ ابتدا سبب مقدم در تأثیر را پذیرفته ولی در ادامه، با آوردن قیودی از این قاعده عدول کرده است.

کلید واژه‌ها: رابطه علیت، سببیت، قتل (جنایت علیه نفس)، سبب و مباشر، اجتماع اسباب.

neisyamir@yahoo.com.

۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران .

۲- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول) farajolah.barati@yahoo.com

pazhuhandeh@yahoo.com

۳- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

مقدمه

در تعریف رابطه علیّت گفته شده: «رابطه علیّت عبارت است از رابطه ناگسستنی نتیجه به فعل به نحوی که یک عنصر خارجی آن را قطع نکند» (آزمایش، ۱۳۸۲، ۱۰).

اگر جنایت به نحو مباشرت (به معنای عام)^۱ (اردبیلی، ۱۳۸۲، ۲، ۲۷) انجام شود رابطه علیّت بین فعل مرتکب و نتیجه مجرمانه ایجاد می‌شود اما اگر جنایت به نحو سبب (مع‌الواسطه) انجام شود رابطه سببیت برقرار است. باید توجه داشت که دایره رابطه علیّت گسترده‌تر و دارای قابلیت بیشتری از رابطه سببیت است.

رابطه علیّت در هر جرمی به معنای آن است که عمل مرتکب سبب نتیجه مجرمانه باشد.

باتوجه به ماده ۴۹۲ ق.م.ا. احراز رابطه استناد به عنوان جزیی از رکن مادی جنایت ضروری است و نیز مطابق ماده ۴۹۳ ق.م.ا. «وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست...» مثلاً چنانچه بر اثر تقصیر صاحب کارخانه، گاز سمی منتشر شود و کارگری آن را استنشاق کند و مریض شود و ۳۰ سال بعد بمیرد و مشخص شود که مرگش بر اثر استنشاق سم بوده، مرگ مستند به صاحب کارخانه است. همچنین وفق ماده ۵۲۹ ق.م.ا. عمد یا غیر عمدی بودن رفتار، مهم نبوده و رابطه علیّت باید احراز شود. ماده ۵۲۹ مقرر می‌دارد: «در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید».

در حقوق کیفری، رابطه علیّت و استناد فعل به فاعل را می‌توان به دودسته تقسیم کرد: یکی اسناد معنوی که همان نسبت دادن جرم به شخص دارای اهلیّت (عقل، بلوغ و اختیار) است یعنی تا شخصی اهلیّت نداشته نمی‌توان جرمی را به وی نسبت داد و دیگری اسناد مادی است یعنی از نظر مادی بتوان میان فعل مرتکب و نتیجه مجرمانه، رابطه علیّت برقرار کرد. گرچه رابطه علیّت به عنوان جزئی از رکن مادی، منحصر در معنای دوم است اما برای برقراری مسئولیت کیفری، نیاز به هر دو اسناد می‌باشد یعنی شخصی را از نظر کیفری می‌توان تحت تعقیب قرارداد که اولاً: اهلیّت داشته باشد و بتوان جرم را به او نسبت داد (اسناد معنوی)، ثانیاً: بتوان میان فعل وی و نتیجه مجرمانه رابطه علیّت برقرار ساخت (اسناد مادی). قانون مجازات اسلامی ایران در مواد ۵۲۶ و ۵۳۵ و ۵۳۶ قواعد کلی مربوط به رابطه علیّت و سببیت را آورده است.

این مقاله برای تبیین قاعده رابطه علیّت در حالت اجتماع عوامل متعدد در جنایت علیه نفس (قتل) به صورت اجتماع مباشرین متعدد و یا اجتماع اسباب متعدد و یا به صورت اجتماع سبب و مباشر می‌باشد.

۱. در مباشرت به معنای عام، عنوان فاعل مادی اراده می‌شود که معنای وسیع آن بوده و شامل ارتکاب باواسطه و بلاواسطه جرم است.

۲. ماده ۴۹۲: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود».

طرح مسئله

دو اصطلاح «مباشر» و «سبب» بیشتر در فقه اسلامی و در مبحث جنایات تعریف شده‌اند. با توجه به اینکه فقهای شیعه و اهل سنت در متون فقهی خود در باب جنایات از «مباشر» به «علت» تعبیر کرده‌اند. باید مفهوم علت را با مفهوم مباشرت بیان کنیم. از مجموع تعاریف فقهی و حقوقی می‌توان نتیجه گرفت که «علت»، عاملی است که با وجود آن وجود معلول ضروری می‌شود و با عدم آن، عدم معلول لازم می‌آید.

«مباشر» به کسی گفته می‌شود که نزدیک‌ترین علت قتل را فراهم می‌سازد. طبق ماده ۴۹۴ ق.م.ا. «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود».

عمده فقها و حقوقدانان در تعریف سبب گفته‌اند: «سبب، عاملی است که از عدم آن، عدم وقوع تلف و جنایت لازم آید؛ لکن به وجود آن نیز وجود جنایت لازم نمی‌آید؛ بنابراین اگرچه آن عامل علت جنایت نیست، اما مؤثر در وقوع آن است» (صادقی، ۱۳۸۷، ۷۷).

در ماده ۵۰۶ ق.م.ا. در تعریف تسبیب آمده است: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند».

سؤال قابل طرح این است که موضع قانون‌گذار جزایی در خصوص کیفیت مداخله عوامل متعدد در فرض اینکه رفتار افراد دخیل در حادثه در قالب تسبیب (تعدد اسباب) باشد یا مباشرت (تعدد مباشر) و یا اجتماعی از آنها (اجتماع سبب و مباشر)، هرکدام در وقوع جنایت چه مسئولیتی دارند؟

قانون مجازات اسلامی در برخورد با رابطه علیت و سببیت، به عنوان یکی از ارکان مسئولیت کیفری معیار واحدی اتخاذ ننموده است و با ذکر مصداق‌های گوناگون راه حل‌های معینی ارائه داده است.

برای پاسخ به سؤال فوق می‌توان منطق قانون مجازات را در هریک از حالت‌ها بررسی کرد.

در بخش اول عوامل هم‌عرض (هم‌زمان) دخیل در جنایت مانند اینکه چند نفر در یک‌زمان واحد و با همکاری یکدیگر شخصی را به قتل برسانند و در بخش دوم، عواملی که در طول یکدیگر (هم‌زمان نباشند) موجب وقوع جنایت شده‌اند مورد بررسی واقع می‌شوند مانند اینکه چند نفر در زمان‌های مختلف در وقوع جنایت سهیم باشند.

۱ - اجتماع عوامل متعدد در عرض یکدیگر

گاهی تأثیر عوامل متعدد، متوقف بر وجود یکدیگر نمی‌باشد، بلکه به طور مستقل و هم‌زمان با تأثیر سایر عوامل، منجر به ایجاد نتیجه واحد، می‌شوند یعنی هرکدام از عوامل صرف‌نظر از همراهی با عامل دیگر، در وقوع جنایت مؤثر هستند و نتیجه حاصله مستند به همه آنها می‌باشد و ملاک، هم‌زمانی تأثیر عوامل، در وقوع صدمه یا خسارت است که اصطلاحاً

می‌گویند عوامل متعدد در عرض یکدیگر قرار دارند.

این تعدد عوامل در عرض یکدیگر، گاه به صورت اجتماع مباشرین متعدد می‌باشد و گاهی به صورت اجتماع اسباب متعدد و گاه نیز به صورت اجتماع سبب و مباشر.

۱-۱. اجتماع مباشرین متعدد در عرض یکدیگر

مداخله عوامل در وقوع صدمه یا خسارت ممکن است همگی به شکل مباشرت باشد؛ مانند آنکه دو نفر در زمان واحد به سمت مجنی‌علیه شلیک نمایند یا مال او را تخریب کنند و یا متعاقب یک عمل جراحی سزارین، مادر دچار خونریزی شدید شده، به علت ضعف تکنیکی جراح در کنترل خونریزی و ناتوانی متخصص بیهوشی در جبران به موقع خون ازدست‌رفته، مادر فوت می‌کند «به عبارت دیگر گاه چند عامل به نحو مستقیم و بلاواسطه باعث ورود خسارت یا جنایت علیه دیگری می‌شوند که در این صورت همه آنها به نحو مساوی مسئول می‌باشند؛ بنابراین تحقق این نوع مسئولیت به شرطی است که نتیجه زیان‌بار قابل استناد به عمل همه آن عوامل متعدد باشد.» (محسنی و ملکوتی، ۱۳۹۳: ۱۶۰ - ۱۳۵)

مثال دیگر اینکه چند نفر با هم یک نفر را گرفته و از پرتگاهی پرتاب کنند و همین عمل منجر به فوت آن شخص و یا صدمات بدنی شود یا مثلاً دو نفر با ضربات متعدد چاقو باعث سلب حیات از دیگری شوند.

در این باره امام خمینی (ره) می‌فرماید: «هرگاه دو نفر آزاد و عاقل و بالغ با یکدیگر برخورد کرده و در اثر آن بمیرند، اگر قصد قتل یکدیگر را داشته باشند قتل عمد است و اگر قصد قتل یکدیگر را نداشته باشند و فعل هم غالباً کشنده نباشد، قتل شبه عمد است و ورثه هرکدام نصف دیه دیگری را پرداخت می‌کند و نصف باقی‌مانده از هر دو ساقط می‌شود» (امام خمینی، بی تا، ج ۴: ۳۶۷)

طبق ماده ۴۵۳ ق.م.ا. جنایت به همه افراد منتسب بوده و همه شریک در جنایت هستند. در این ماده آمده است: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو اشتراک مرتکب جنایت موجب دیه گردند، حسب مورد هریک از شرکا یا عاقله آنها به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است».

حکم دخالت مباشران متعدد در وقوع جنایت به طور هم‌زمان از ماده ۵۲۷ ق.م.ا نیز برداشت می‌شود. ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد، مساوی باشد در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هرکدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هرکدام به و سیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آنها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی‌علیه یا اولیای دم او بپردازند».

۱-۲. اجتماع اسباب متعدد در عرض یکدیگر

مداخله عوامل مختلف در صدمات بدنی یا خسارات مالی ممکن است همگی به شکل تسبیب باشد؛ مانند آنکه به طور

هم‌زمان شخصی به‌صورت غیرمجاز گودالی حفر کند و دیگری سنگی کنار گودال قرار دهد، اشتراک در ضمان دارند. مثال دیگر اینکه، اولین سبب در غذای مجنی‌علیه سم ریخته و دیگری داروی وی را زهرآلود می‌کند و مجنی‌علیه در اثر تأثیر هر دو سم فوت شود. در اینجا با دو سبب مواجه هستیم که در عرض یکدیگر قرار دارند؛ بنابراین در مثال ذکرشده مرگ مستند به فعل هر دو سبب می‌باشد؛ یعنی اسبابی که در عرض یکدیگر بوده و هریک مستقل از دیگری عمل می‌کند، بدون اینکه وجود هریک شرط تأثیر دیگری باشد. در نتیجه در اینجا هر دو سبب شریک در جرم بوده و به‌عنوان فاعل مستقل جرم، به طور مساوی مسئول می‌باشند؛ لذا در صورتی که اسباب متعدد در عرض هم باشند، همه آنها مسئولیت مشترک دارند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۷: ۵۵) هرچند نیرو یا اندازه تأثیر آنها یکسان نباشد.

قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۳۳ در فرض مداخله اسباب به صورت عرضی این نظریه را مورد توجه قرار داده است. در ماده مزبور، ظاهراً میزان تأثیر رفتار مرتکبان مهم نبوده و همه شریک هستند.

ماده ۵۳۳ مقرر می‌دارد: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به‌طوری‌که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند».

بنابراین به دلیل اینکه جنایت منتسب به همه است همگی به طور مساوی ضامن دیه خواهند بود. نتیجه اینکه حقوق ایران در اجتماع عرضی اسباب قائل به تساوی در ضمان است.

۱-۳. اجتماع سبب و مباشر در عرض یکدیگر

دخالت عوامل ممکن است در شکل اجتماع سبب و مباشر در عرض یکدیگر باشد؛ مانند آنکه کودکی در اثر بی‌احتیاطی والدین خود مایع سمی که توسط پدرش در مکان قابل دسترسی قرار داده شده را سر می‌کشد و جهت درمان به بیمارستان منتقل می‌شود و در آنجا به علت ضعف تکنیکی پزشک در دفع مواد سمی فوت می‌کند. در این مثال، والدین سبب و پزشک حکم مباشر را دارد.

مثال دیگر: یکی از عوامل به‌عنوان سبب، غذای مجنی‌علیه را آلوده به سم می‌کند و دیگری نیز به‌عنوان مباشر چاقویی به او می‌زند و سرانجام مجنی‌علیه در اثر تأثیر هم‌زمان سم و جرح وارده کشته می‌شود. در این صورت نیز سبب و مباشر هر دو به طور مساوی مسئولیت داشته و هریک از آنها مجازات فاعل مستقل را دارد و در صورت عمدی بودن جنایت، می‌توان هر دو را قصاص کرد.

این مسئله به طور صریح در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی آمده است. «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به او است ضامن است و چنانچه جنایت

۱. أما اجتماع السببیین بأن یحفر واحد بئرا و یضع آخر عنده حجرا فیعثر به إنسان فیقع فی البئر ففی المسالك «إن اتفاقا فی وقت واحد اشترکا فی الضمان، لعدم الترجیح...».

مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است».

در ماده ۵۲۶ سه فرض قابل تصور است که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

الف - استناد جنایت به مباشر

چنانچه دو یا چند عامل در جنایتی نقش داشته باشند که یکی مباشر و دیگری سبب است اصولاً مباشر مسئول است اما مسبب بدون اینکه در وقوع جنایت نقش تعیین‌کننده داشته باشد و یا بتوان جنایت را به او مستند کرد مؤثر در آن بوده است که این تأثیر ممکن است به شکل کمک به مباشر باشد در این صورت مسبب به‌عنوان معاون در جنایت محسوب می‌شود. تبصره ۱ ماده ۴۹۶ق.م.ا یکی از مصادیق جمع سبب و مباشر است که جنایت را به مباشر منتسب می‌کند.

در این تبصره آمده است: «... هرگاه مریض یا پرستار بدانند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می‌شود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است».

ظاهراً فرض ماده ناظر به علم قطعی مریض یا پرستار به اشتباه بودن دستور است و علم اجمالی موجب خروج پزشک از مجازات نمی‌شود. مفهوم مخالف این حکم در حالتی است که پزشک آگاه و پرستار یا بیمار جاهل باشد که در این صورت پزشک (سبب) باتوجه به صدر ماده ۴۹۶ق.م.ا. ضامن است. وانگهی، در صورتی که پزشک و پرستار هر دو با علم و عمد و به قصد جنایت اقدام کرده باشند، جنایت، به حساب پرستار به‌عنوان مباشر گذاشته شده و پزشک (سبب) که نقش آمریت (فاعل معنوی) را ایفا کرده است معاون در جنایت محسوب می‌شود (رستمی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۵: ۱۶۶).

ب- استناد جنایت به سبب

باتوجه به عبارت «عاملی که جنایت مستند به او است ضامن است» از ماده ۵۲۶ ق.م.ا. گاهی مسبب ضامن است. ضمن اینکه باتوجه به قسمت اخیر ماده ۵۲۶ گاهی فقط سبب ضامن است: «در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است».

حقوق کیفری ایران در اجتماع سبب و مباشر، ضمان را در صورتی متوجه سبب می‌نماید که پای یک مباشر عاقل و بالغ و باراده در میان نباشد (بازگیر، ۱۳۷۶: ۲۱۶ - محقق حلی، ۱۴۰۸ ج. ۴ ص ۲۴۰)

همچنین مواد ۱۶۳ و ۴۸۶ و ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی از مصادیق سبب اقوای از مباشر به شمار می‌آیند به عنوان نمونه در ماده ۴۹۶ق.م.ا. آمده است:

ماده ۴۹۶ - «پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می‌نماید، در صورت تلف

یا صدمه بدنی ضامن است مگر آنکه مطابق ماده (۴۹۵) این قانون عمل نماید.

تبصره ۱ - در موارد مزبور، هرگاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می شود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است.

تبصره ۲ - در قطع عضو یا جراحات ایجاد شده در معالجات پزشکی طبق ماده (۴۹۵) این قانون عمل می شود». مفهوم مخالف حکم تبصره یک حالتی است که پزشک آگاه و پرستار یا بیمار جاهل باشد که در این صورت پزشک (سبب) باتوجه به صدر ماده ۴۹۶ ق.م.ا. ضامن است.

ج-استناد جنایت به مباشر و سبب

باتوجه به قسمت اخیر ماده ۵۲۶ که مقرر می دارد: «... چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می باشد مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند...». فرض تساوی ضامن بر اساس میزان تأثیر رفتار مرتکبان جنایت نیازمند تبیین است.

یکی از حقوق دانان معتقد است: «باتوجه به استفاده از واژه «جنایت» [ماده ۵۲۶] و در فرض عمدی بودن آن، در صورتی که جنایت مستند به همه عوامل اعم از مباشر و مسبب باشد، مساوی بودن سهم هر یک از آنها در وقوع جنایت عمدی، تأثیری در شمول حکم قصاص بر همه آنها ندارد؛ زیرا مورد از موارد شرکت در جنایت محسوب می شود» (آقایی نیا، ۱۳۹۶: ۶۹).

در این رابطه ماده ۱۲۵ ق.م.ا. مقرر می دارد: «هرکس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرایم غیر عمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

تبصره - اعمال مجازات حدود، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مواد کتاب های دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می گیرد».

اگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد، درجه و اندازه تأثیر صرفاً بر مسئولیت مرتکب در پرداخت دیه تأثیر می گذارد و در قصاص و تعزیر مسئولیت کامل است. در واقع، دیه درصد بندی می شود نه قصاص یا تعزیر. پس قسمت دوم ماده که سخن از تعیین مسئولیت به اعتبار درجه تأثیر می گوید، ناظر به جنایت غیر عمد است که مجازات دیه دارد.

باید توجه داشت که در صورت تساوی سبب و مباشر، آیا باید ایشان را شریک قلمداد کرد، اختلاف نظر است. در غیر

مورد جنایات، معمولاً قضات دادگاه‌ها سبب و مباشر هم‌عرض را شریک قلمداد می‌کنند ولی در جنایات به نظر می‌رسد تمایل قضات به عدم توسعه مفهوم مشارکت به اسباب است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۴۴).

۲. اجتماع عوامل متعدد در طول یکدیگر

گاهی عواملی در طول یکدیگر (هم‌زمان نباشند) موجب وقوع جنایت می‌شوند مانند اینکه چند نفر در زمان‌های مختلف در وقوع جنایت سهیم باشند. این حالت به سه صورت ممکن است پیش بیاید.

۲-۱. اجتماع مباشرین در طول یکدیگر

بعضی از حقوق‌دانان در اجتماع عرضی عوامل، حالت «اجتماع مباشرین» را ممکن می‌دانند، اما «اجتماع مباشرین» را در اجتماع طولی، غیرقابل تصویری دانند و معتقدند که مباشرت، ایجاد نزدیک‌ترین علت به نتیجه است و علت، عاملی است که از وجودش، وجود معلول و از عدمش، عدم معلول لازم می‌آید. به عبارت دیگر با واقع شدن، علت نتیجه، در پی آن محقق می‌گردد؛ از این رو امکان منطقی جمع دو مباشر، با ترتیب زمانی تأثیر هریک از آنها، در حدوث معلول واحد، منتفی است؛ چرا که با تأثیر علت مقدم، نتیجه، حاصل آمده و مجالی برای تأثیر علت مؤخر، باقی نمی‌ماند (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۲۳ - ۹۷؛ محسنی و ملکوتی، ۱۳۹۳: ۱۴۴).

برخی، حدوث مباشرت بر مباشرت را از موارد اجتماع مباشرین در طول یکدیگر تلقی کرده‌اند مانند وقتی که «الف»، «ب» را زخمی کند و «ج» او را بکشد (قیاسی، ۱۳۹۴: ۳۳).

دکتر محمدهادی صادقی در جواب برداشت دکتر جلال‌الدین قیاسی (حدوث مباشرت بر مباشرت از موارد اجتماع مباشرین در طول یکدیگر است). معتقد است: «این برداشت که با مفهوم مباشرت بیگانه است غیرقابل توجیه به نظر می‌رسد زیرا علاوه بر آنکه امکان اجتماع طولی مباشرین به دلالت عقل، مردود است، مثال مذکور نیز اصولاً خارج از موضوع بوده و از موارد اجتماع چند عامل، قلمداد نمی‌گردد؛ زیرا وقوع نتیجه واحدی که از دخالت عوامل متعدد ناشی شده، شرط اساسی در تحقق فرض اجتماع عوامل است. پس اگر «الف»، «ب» را زخمی کند، سپس دیگری او را به قتل برساند در واقع دو جنایت یعنی جرح و قتل که مستقل از یکدیگرند حادث شده؛ زیرا دو فعل با دو نتیجه متمایز انجام شده است؛ لذا عامل هر فعل نسبت به نتیجه حاصل از آن مستقلاً ضامن خواهد بود». مطابق ماده ۵۴۲ ق.م.ا. «هرگاه در اثر رفتارهای متعدد، آسیب‌های متعدد ایجاد شود هر آسیبی دیه جداگانه دارد» (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۲۳ - ۹۷).

اما در مقابل، گروهی معتقدند که قانون مجازات اسلامی در مواد گوناگونی برخی مصادیق دخالت مباشران متعدد به صورت طولی را بیان کرده است. مانند ضامن بودن مباشر مؤخر که ماده ۳۷۱ ق.م.ا. در این رابطه مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان نفر دوم است اگرچه آسیب سابق به تنهایی موجب مرگ می‌گردید و اولی فقط به قصاص عضو محکوم می‌شود» (رستمی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۵: ۱۶۲).

۱۶۳-). مانند اینکه اگر «الف» جرح کشنده‌ای بر «ب» وارد کند و «ب» چند ساعتی با مرگ فاصله داشته باشد و در این فاصله پز شک با انجام عملیات درمانی نامتعارف و توأم با تقصیر مرگ را تسریع کند، قتل به پز شک منتسب می‌گردد.

همچنین ماده ۳۷۲ - «هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به گونه‌ای که وی را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیر مستقر او پایان دهد نفر اول قصاص می‌شود و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌گردد. حکم این ماده و ماده ۳۷۱ این قانون در مورد جنایات غیر عمدی نیز جاری است» که در این حالت، ضمان بر عهده مباشر مقدم است.

نگارنده با تأیید امکان تعدد مباشران به شکل طولی بر این باور است که با توجه به مواد ۳۷۱ و ۳۷۲ می‌توان در حالت تعدد مباشران طولی بر اساس استناد عرفی نتیجه به یکی از مباشران مقدم یا مؤخر، هر کدام را مسئول جنایت تلقی نمود و در غیر این صورت و استناد به هر دو، همان حکم تساوی در ضمان را جاری دانست. و ماده ۵۲۶ هم، یکسان بودن مسئولیت مرتکبان جنایت در پرداخت دیه را مطرح کرده است.

۲-۲. اجتماع سبب و مباشر در طول یکدیگر

در مواردی که سبب و مباشر در طول یکدیگر در وقوع جرم دخالت داشته باشند. به عقیده بعضی از فقها هر دو سبب و مباشر دارای مسئولیت تضامنی هستند و مجنی‌علیه به هریک از آنها که بخواهد می‌تواند رجوع کند چرا که طبق حدیث «لا ضرر» هر کس مسئول خسارت‌هایی است که ایجاد کرده، به علاوه ضعف تأثیر سبب مانع ثبوت مسئولیت مسبب نیست. مشهور فقها در رد این نظر چنین استدلال می‌کنند: هرگاه سبب و مباشر در قوت و ضعف یکسان باشند مسئولیت بر عهده مباشر است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۷: ۵۴).

زیرا تأثیر سبب در وقوع جنایت ضعیف‌تر از آن است که با وجود عامل قوی مباشرت رابطه خود را با نتیجه حاصله حفظ نماید بلکه مباشر با اقدام خود به گونه‌ای رابطه سبب و جنایت را قطع می‌کند که عرفاً مجالی برای اسناد نتیجه به سبب باقی نمی‌گذارد (همان: ۵۵).

شهید ثانی می‌فرماید: «اگر عامل مباشر که مستقیماً تلف از او صادر شده با سبب جمع شود مباشر ضامن است نه سبب چون مباشر قوی‌تر و نزدیک‌تر است. این در صورتی است که مباشر علم به سبب داشته باشد و اگر مباشر جاهل باشد سبب ضامن است» (شهید ثانی، ۱۳۸۷: ج ۱۰، ۱۴۹).

قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۲۶ مقرر می‌دارد: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در

۱. «أن القوة لا تدفع الضمان عن السبب بعد وجود ما يقتضى ضمانه أيضاً، وهو ما مر من حدیث نفی الضرر و لا امتناع فی الحكم بضمانهما معاً ... الإجماع الظاهر المعتضد بالأصل».

وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به او ست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشد مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است».

اجتماع سبب و مباشر در طول یکدیگر، ممکن است به سه صورت باشد:

۱. اقوی بودن مباشر از سبب، ۲. تساوی سبب و مباشر، ۳. اقوی بودن سبب از مباشر.

۱- اقوی بودن مباشر از سبب

در صورتی که مباشر اقوی از سبب باشد مسئولیت جنایی برعهده مباشر است چون علت کامل ایجاد جنایت محسوب می‌شود. چنان‌که شخصی آتشی افروزد و دیگری مجنی‌علیه را در آن اندازد، در این صورت مباشر قاتل است زیرا که طبق قاعده رابطه علیت، مباشر علت سلب حیات از مجنی‌علیه است. همچنین هنگامی که مباشرت عمل سبب را قطع کند مباشرت غالب می‌شود مانند کسی که انسانی را به قصد غرق کردن در آب می‌اندازد و دیگری که در آب شنا می‌کرده او را خفه می‌کند.

همچنین مانند کسی که انسانی را از مکان مرتفعی به پایین بیندازد، ولی دیگری قبل از رسیدن به زمین سرش را با شمشیر قطع کند یا قبل از رسیدن به زمین به طرف او با اسلحه گرم آتش افروزد و او را به قتل برساند. در این صورت مسئول قتل مباشر است و او قصاص می‌شود اما مسبب برحسب عمل خویش تعزیر می‌شود و نسبت به نتیجه فعل که سلب حیات است مسئولیت نخواهد داشت.

برخی از فقها بر این عقیده‌اند که چنانچه نجات مجنی‌علیه از نتیجه عمل سبب بعید باشد مباشرت عمل سبب را قطع نمی‌کند چون اگر مباشر هم دخالت نمی‌کرد سلامت از عمل سبب ممکن نخواهد بود مانند کسی که دیگری را از مکان بلندی به زمین پرتاب کند که ممکن نیست به سلامت به زمین برسد و اگر دومی (مباشر) در هوا به او شلیک کند و او را بکشد و در واقع در عرض سبب قرار می‌گیرد و عمل هریک از سبب و مباشر کامل‌کننده دیگری است و تعادل بین سبب و مباشر پیش می‌آید؛ بنابراین هر دو مسئول هستند. پس هرگاه بین آنها توافق باشد هر دو قصاص می‌شوند و اگر بین آنها توافق وجود نداشته باشد فقط مباشر، قصاص می‌شود^۱ (قربان‌نیا، منصور و الفت، ۱۳۷۳: ۳۸۵).

قانون مجازات اسلامی به تبعیت از نظریه مشهور فقهای امامیه در ماده ۳۷۱ مقرر می‌دارد:

۱ - وإن رماه أحدهما من شاهق فتلقاه آخر بالسيف فقدّه أو ألقى عليه صخره فأطار آخرُ رأسه قبل أن تصل الصخرة فیری أن القصاص علی الثانی لأن الرمی سبب و القتل مباشرة، فقطعت المباشرة حکم السبب، ویری مثل هذا إن رماه من مكان يجوز أن یسلم منه، أو ألقى علیه صخرة یمكن أن یسلم منها أما إن كان عمل الأول لا یتمکن السلامة فیہ فالبعض یری کلیهما مسئولاً عن القتل لدخول المباشرة مع السبب، ویری البعض أن الثانی هو القاتل والرأی الآخر هو المتفق مع القانون؛ لأنه یعتبر الأول شارحاً فی قتل والثانی قاتلاً ما لم یکن بینهما اتفاق أو توافق علی القتل فکلاهما یعتبر قاتلاً. (عوده، بی تا، ۴۶)

«هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان نفر دوم است اگرچه آسیب سابق به تنهایی موجب مرگ می‌گردد و اولی فقط به قصاص عضو محکوم می‌شود».

در اینجا اگر شخص دوم دخالت نمی‌کرد و عمل شخص اول را قطع نمی‌کرد مجنی‌علیه در اثر جراحت نفر اول فوت می‌کرد و در نتیجه نفر اول به قصاص محکوم می‌شود اما در این ماده فعل شخص دوم سبب مرگ شده اگرچه فعل نفر اول مقتضی مرگ بوده است، اما کافی برای قتل نیست زیرا ایجاد مقتضی بدون آنکه مقتضای آن به فعلیت برسد موجب قصاص نمی‌گردد. به عبارت دیگر شخص اول ایجاد مقتضی کرده و ایجاد مقتضی ملازم با تحقق مقتضی نمی‌باشد.

همچنین اقوی بودن مباشر از سبب از ماده ۵۲۶ ق.م.ا. نیز استنباط می‌شود. ماده ۵۲۶ — «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به او است ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است».

۲- تساوی سبب و مباشر

منظور از تساوی سبب و مباشر، «یکسانی و برابری مادی اثر عمل سبب و مباشر در حدوث صدمه نیست؛ چرا که ... مباشر، پیدایش صدمه را ضروری می‌کند، ولی سبب تنها آن را محتمل می‌نماید؛ لذا نمی‌توان از این حیث سبب و مباشر را مساوی لحاظ کرد، بلکه به نظر می‌رسد، ملاک بررسی سنجش مؤلفه‌های سرزنش‌پذیری مانند قصد مجرمانه، علم و آگاهی طرفین و درجه سرزنش‌پذیری عرفی باشد» (طاهری‌نسب، ۱۳۸۸: ۵۶۱).

مثلاً هرگاه کسی دست‌های مقتول را بگیرد و مانع حرکت وی گردد و دیگری با انداختن طناب برگردن مجنی‌علیه، وی را به قتل برساند، عمل نگهدارنده موجب تسهیل قتل برای خفه‌کننده می‌شود، ولی از لحاظ عرفی درجه تقصیر آنها تقریباً برابر است. در عین حال فقه اسلامی و قانون مجازات اسلامی ایران خفه‌کننده را مجرم می‌داند.

طبق ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در صورت تساوی سبب و مباشر و در صورت استناد جنایت به هر دو عامل، هر دو، مسئول می‌باشند. البته به نظر می‌رسد که این نظر، مطابق نظر مشهور فقها نیست. در واقع در این ماده، احراز رابطه علیت و اسناد عرفی جنایت به عامل جنایت ملاک قرار گرفته است، بدون اینکه مباشر یا سبب بودن عامل فی نفسه موضوعیتی داشته باشد؛ بنابراین از آنجاکه عرفاً جنایت به هر دو عامل استناد دارد و هر دو عامل از نظر میزان تأثیرگذاری (بر اساس عرف) مساوی می‌باشند، مسئولیت متوجه هر دو عامل خواهد بود و در نتیجه مباشر یا سبب بودن نمی‌تواند ملاک تعیین مسئولیت باشد. به عبارت دیگر معیار مهم، اسناد عرفی جنایت می‌باشد که به هر دو عامل نسبت داده می‌شود.

۳- اقوی بودن سبب از مباشر

این حالت در واقع یک استثناء است بر حالت کلی ضمان مباشر. صاحب جواهر در این باره می‌فرماید: «فی الدروس و للمعه الاقته صار علی استثناء الغرور و الإكراه، بل فی القواعد الاقته صار علی الثانی منهما، كما فی الإرشاد الاقته صار علی الأول منهما، إلا أن الظاهر إرادة المثال، ضرورة ضعف الريح و الشمس و النار و السبع و غيرها مما لا عقل له و لا اختیار». «در کتاب دروس و لمعه فقط به استثناء نمودن غرور و اکراه اکتفا شده است و در این دو حالت است که مباشر ضامن نیست حتی در کتاب قواعد فقط حالت اکراه استثناء شده است کما اینکه در کتاب ارشاد فقط حالت غرور استثناء شده است ولی ظاهر این است که اصحاب در این موارد قصد مثال داشته‌اند نه انحصار؛ زیرا بدیهی است در مواردی که باد و آتش و حیوان مباشر است اینها هم ضامن نیستند زیرا عقل و اختیاری ندارند» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۷: ۵۶)

در این حالت، سبب از لحاظ درجه عدوان قوی‌تر از مباشر است و «مراد از قوت سبب بر مباشر هرگز غلبه شدت تأثیر سبب بر مباشر در وقوع جنایت نیست؛ چرا که باتوجه به تعاریف سبب و مباشر، سببی که در طول مباشر است در هیچ شرایطی نمی‌تواند از جهت تأثیر مادی در وقوع جرم با مباشر برابری کند؛ زیرا مباشرت، ایجاد علت تلف است و سبب فی‌الجمله در بروز جنایت مؤثر است؛ از این رو تأثیر علت در بروز جنایت نمی‌تواند خفیف‌تر از تأثیر «سبب» باشد» (صادقی، ۱۳۸۷: ۹۳).

بنابراین «ملاک و ضابطه اقوی بودن سبب به وضعیت و شرایطی بازگشت دارد که به لحاظ عدوان و تعدی آن را قوی‌تر از مباشر می‌دانند و نه از حیث تأثیر مادی آن» (همان).

بنابراین در اجتماع سبب و مباشر چنانچه فقط سبب عدوانی باشد همان ضامن خواهد بود چرا که مباشر به طور قانونی و به اذن شرعی اقدام کرده است. گاهی ممکن است مباشر انسانی بی‌مسئولیت چون کودک و دیوانه باشد. در این صورت مباشر به دلیل جنون یا صغر فاقد قوه تمیز و تشخیص تام بوده و به صورت آلتی در دست سبب واقع شده باشد. مانند آنکه فردی، کودک غیرممیزی را به ارتکاب قتل اکراه نموده، در اثر تحریک و تهدید وی جنایت واقع شود. حقوق جزای اسلامی اکراه کننده را که سبب جنایت است مسئول می‌شناسد. اگر کودک نا ممیز یا دیوانه در اثر وادار شدن مرتکب قتلی شده باشد وادار کننده به قصاص محکوم خواهد شد.

موارد بسیاری از مصادیق اقوی بودن سبب نسبت به مباشر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ عنوان شده است. از جمله در ماده ۵۲۳ ق. م. ا. آمده است: «هرگاه شخصی با اذن کسی که حق اذن دارد، وارد منزل یا محلی که در تصرف اوست، گردد و از ناحیه حیوان یا شیئی که در آن مکان است صدمه و خسارت ببیند، اذن دهنده ضامن است، خواه آن شیء یا حیوان قبل از اذن در آن محل بوده یا بعداً در آن قرار گرفته باشد و خواه اذن دهنده نسبت به آسیب‌رسانی آن علم داشته باشد خواه نداشته باشد.

تبصره — در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد مانند آنکه واردشونده بداند حیوان مزبور خطرناک است و اذن دهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمی‌باشد، ضمان منتفی است».

الف - ملاک اقوی بودن سبب از مباشر

اگر مسبب، عدوانی و مباشر، غیر عدوانی باشد مسبب مسئول است.

علم و جهل مباشر یا مسبب نیز می‌تواند مؤثر باشد. هرگاه جهل مباشر عرفاً تعدی و تفریط وی را منتفی سازد، موجب اقوی بودن مسبب در عدوان می‌گردد.

در این زمینه یکی از حقوق‌دانان با بیان اینکه قانون مجازات اسلامی معیار خاصی، برای تشخیص اقوی بودن سبب از مباشر ارائه نکرده است می‌گوید: «اقوی بودن را باید با مراجعه به عرف مشخص کرد و داوری عرف در این مورد بستگی به عواملی چون قانونی بودن اقدام مباشر، صغر سن، جنون، جهل یا فریب خوردن قربانی (مثلاً راهنمایی کردن یک صغیر غیرممیز یا مجنون و یا اکراه آنها به تیراندازی به سوی دیگران یا دادن غذای مسموم به شخص ناآگاه به مسموم بودن آن) و نیز ماهیت انتظار عرف از هریک از مسبب یا مباشر دارد» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۵۴).

ب- مهم‌ترین مصادیق اقوی بودن سبب از مباشر

الف) غرور (فریب مباشر): سبب، مباشر را فریب دهد که مرتکب جنایتی (مرگ شخص ثالثی) شود.

این موضوع در یکی از قواعد فقهی تحت عنوان «المغرور یرجع الی من غره» آمده است و فریب‌دهنده (غار) مسئول نتایج شخص فریب‌خورده است. مانند موردی که قاضی بر اثر شهادت کذب عده‌ای، حکم به قصاص و اجرای آن دهد^۱ (صادقی، ۱۳۷۸: ۸۲).

قانون‌گذار جزایی در ماده ۵۲۶ اشاره‌ای به غرور نکرده و ظاهراً آن را مساوی جهل دانسته است درحالی‌که غرور و جهل به لحاظ منشأ جهل باهم تفاوت دارند.

ب) جهل مباشر: هرگاه مباشر، جاهل و یا غافل باشد، ولی مسبب، عمد و قصد مجرمانه داشته باشد. مثل اینکه کسی بدون اجازه در ملک دیگری چاهی حفر کند و روی آن را بپوشاند و صاحبخانه بی‌اطلاع از وجود چاه فردی را روی آن بیندازد و او در چاه بیفتد و فوت کند. در این مثال حفرکننده ضامن است و صاحبخانه به دلیل جهل مسئولیتی ندارد. مغرور و جاهل هر دو در جهل و بی‌اطلاعی از سبب مشترک‌اند، ولی تفاوت آنها در منشأ جهل است، در جاهل منشأ جهل خود اوست ولی در مغرور منشأ جهل ناشی از عمل غار یا فریبکار است.

۱. «در این صورت هر چند جنایت واقع شده مبتنی بر حکم قاضی است، اما در واقع این شهادت کذب است که به حکم قانون، اجرای کیفر را فراهم کرده است. در این موارد با آنکه ادای شهادت هیچگونه تأثیر مادی در اعمال مجازات ندارد، اما بنابر موازین شرعی و قانونی اینگونه شهادت‌ها موجب ثبوت مجازات مرگ و... است. پس اگر شهود در شهادت کذب خود تعدد در قتل داشته باشند، محکوم به قصاص می‌گردند» (صادقی، محمد هادی، جرایم علیه اشخاص، ۱۳۷۸، چاپ ۱۵، تهران، نشر میزان، ص ۸۲).

ج) اکراه (اجبار) مباشر: سبب، مباشر را مجبور به انجام جنایتی می‌کند. اکراه در اصطلاح حقوقی عملی است تهدیدآمیز از طرف کسی نسبت به دیگری به منظور تحقق بخشیدن عمل موردنظر اکراه کننده. به طور کلی اکراه از علل رافع مسئولیت کیفری است و شخص اکراه شونده مسئولیتی ندارد؛ بنابراین اگر مسببی مباشر را اکراه به عملی کند، موجب تغییر رابطه سببیت می‌گردد و علی‌رغم وجود مباشر سبب ضامن است، مگر در مورد اکراه در قتل که به استناد ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی، مجوز قتل نمی‌باشد و مباشر مسئول قتل است.

ماده ۳۷۵ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب، قصاص می‌شود و اکراه کننده، به حبس ابد محکوم می‌گردد.

تبصره ۱ - اگر اکراه شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است.

تبصره ۲ - اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد عاقله او دیه مقتول را می‌پردازد و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می‌شود».

د) اضطرار: اضطرار در اصطلاح حقوقی حالتی است که در آن تهدید وجود ندارد، ولی او ضاع و احوال برای انجام یک عمل طوری است که انسان با وجود عدم رضایت و تمایل به انجام کاری، آن را علی‌رغم میل باطنی خود از روی قصد و رضای خاص انجام می‌دهد. اضطرار برخلاف اجبار موجب زوال اراده مضطر نمی‌گردد و از سوی دیگر برخلاف اکراه همراه با تهدید نمی‌باشد. در واقع، اضطرار در مواردی است که عمل مباشر، فعلی اضطراری باشد و شرایط اضطراری، ناشی از اقدام مجرمانه شخص دیگری باشد.

مسئله اضطرار در اجتماع سبب و مباشر به طور صریح در قانون مجازات اسلامی نیامده است و ماده ۴۹۹ گرچه در مورد حالت اضطرار نیست اما به نحو اجمال به ذکر یکی از مصادیق اضطرار در اجتماع سبب و مباشر پرداخته است.

ماده ۴۹۹ - «هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی‌اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیرعمدی مسئول است».

ه) در مواردی که جانی مباشر، حیوان، عوامل طبیعی، کودک غیر ممیز یا مجنون باشد.

در قسمتی از ماده ۵۲۶ آمده است: «...در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است».

و) «هرگاه مباشر در مقام دفاع مشروع مرتکب عملی شود که اتفاقاً منجر به صدمه‌ای به انسان بی‌گناه و یا اموال غیر شود» (طاهری‌نسب، ۱۳۸۸: ۵۷۰ - ۵۶۳).

۳-۲. اجتماع اسباب متعدد در طول یکدیگر

بحث اجتماع اسباب مربوط به موردی است که اسباب در طول یکدیگر باشند (قیاسی، ۱۳۹۴: ۴۲). بعضی وقت‌ها

هریک از سبب، زمینه تأثیر دیگری را فراهم می‌کند و تأثیر آنها عرفاً هم‌زمان نیست و به اصطلاح، اسباب در طول هم قرار دارند. در عملیات پزشکی و جراحی اصولاً مداخله در جنایت به شکل طولی است و پزشک در بیشتر موارد نقش سبب حایل را ایفا می‌کند (رستمی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۵: ۱۵۲).

«منظور از اجتماع اسباب، وجود چند سبب عدوانی که با مباحثی که به دلیل ضعف، کنار گذاشته شده، اجتماع کرده و در حدوث نتیجه واقع شده‌اند» (صادقی، ۱۳۹۲: ۳۶).

در ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است:

«هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود».

چند نکته در رابطه با این ماده:

۱. منظور از «عمل غیرمجاز» در صدر ماده، «عمل غیرمجاز غیر عمدی» است به دلیل اینکه در ذیل ماده فعل عمدی استثناء شده است.

۲. همان‌طور که در عبارات فقها آمده مراد از «ضمان» اعم از قصاص و دیه است. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱: ۶۵۹).

۳. از قید «به نحو سبب» فهمیده می‌شود که این ماده ناظر به اجتماع اسباب به صورت طولی (غیر هم‌زمان) است و به سایر اشکال دخالت در جنایت، از جمله تعدد عوامل به صورت طولی یا اجتماع سبب و مباشر، تسری نمی‌یابد.

۴. عبارت «کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است» بیانگر ضمان سبب مقدم در تأثیر است که مطابق نظر مشهور فقهاست؛ یعنی اگر دو یا چند نفر سبب غیرمجاز غیر عامل باشند، سبب مقدم در تأثیر ضامن است.

برای نمونه، در فرضی که دو پزشک در درمان یک بیمار به علت تشخیص نادرست در زمان‌های مختلف داروهایی را تجویز کرده باشند، ضمان، در صورت عدم احراز شرکت در جرم، متوجه پزشکی خواهد بود که داروی تجویزی او مقدم در تأثیر بوده است.

۵. باتوجه به اینکه مراد از عمد در عبارت «قصد ارتکاب جنایت»، عمد در نتیجه است و عمد در وقوع فعل نیست چون

۱. «و علی کل حال فالمدفوع هدر للدافع فی ما بینة و بین الله تعالی و إلا فللولی القصاص منه ما لم تکن له بینة علی ذلک، لأن الأصل الضمان».

هم حفرکننده چاه و هم گذارنده سنگ، قصد قتل دیگری را دارند و به همین خاطر هر دو ضامن هستند؛ یعنی اگر دو یا چند نفر سبب عامد در نتیجه باشند، همه ضامن هستند.

۶. «شرکت در جرم» از اسباب عرضی است و شریک جرم در عملیات اجرایی شرکت می‌کند و موضوع شرکت در جرم صرفاً با رکن مادی جرم مرتبط است. درحالی‌که در ادامه عبارت «قصد ارتکاب جنایت» آمده و قصد مربوط به رکن روانی است.

ادامه شرایط ماده ۵۳۵ در ماده ۵۳۶ آمده است:

ماده ۵۳۶ - «هرگاه درمورد ماده (۵۳۵) این قانون عمل یکی از دو نفر غیرمجاز و عمل دیگری مجاز باشد مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیرمجاز بوده، ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و باتوجه‌به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود انجام‌گرفته باشد، نفر دوم ضامن است».

با توجه قسمت اول ماده، در صورت اجتماع سبب غیرمجاز و سبب مجاز، سبب غیرمجاز ضامن است و در واقع سبب مؤخر، به دلیل غیرمجاز بودن ضامن است.

در قسمت دوم ماده، عبارت «موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود» یعنی سبب دوم، عامد باشد و باتوجه‌به اینکه قانون‌گذار به مجاز بودن یا نبودن عمل نفر اول اشاره نکرده است در نتیجه اگر عمل سبب اول مجاز باشد و سبب دوم عامد باشد در این صورت سبب عامد (سبب دوم) ضامن است. همچنین اگر عمل سبب اول غیرمجاز باشد و سبب دوم عامد باشد در این صورت سبب عامد (سبب دوم) نیز ضامن است.

یکی از حقوق‌دانان در انتقاد از شیوه تنظیم قسمت اخیر ماده ۵۳۵ (مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند) و همچنین قسمتی انتهایی ماده ۵۳۶ (موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود انجام‌گرفته باشد) که شرایط غیرمادی (قصد و عمد) را به‌عنوان رابطه استناد محسوب کرده، می‌گوید: «قانون‌گذار، رابطه استناد را لزوماً واجد ماهیتی مادی ندانسته و وجود واقعی آن را برای ثبوت ضمان، ضروری نشمرده است و براین اساس برخی شرایط غیرمادی را که اصولاً فاقد تأثیر واقعی در پیوند دو امر عینی هستند، موجبی برای اعتبار رابطه استناد محسوب کرده است، درحالی‌که این رابطه، مبین پیوند بین فعل با صدمه یا خسارت است؛ فعل و نتیجه‌ای که هر دو از عناصر مادی بوده دارای طبیعتی واقعی هستند و بدیهی است که رابطه بین آنها، یعنی نقش فعل در وقوع نتیجه نیز مانند ارتباط سببی بین هر دو پدیده مادی دیگر، طبیعتی ملموس و عینی خواهد داشت؛ ازاین‌رو اثبات نقش و تأثیر فعل ارتكابی در ایجاد ضرر و زیان، مانند سایر پدیده‌های مادی خارجی، بر تجربه و استدلال علمی متکی است و نمی‌توان علیّت یا سببیت، عنصری در ایجاد یک نتیجه را متأثر از امور ذهنی و غیرواقعی تصور کرده و آن را امری اعتباری محسوب کرد» (صادقی، ۱۳۹۲: ۴۷ - ۴۸) ایشان در

ادامه در جواب کسانی که تصور می‌کنند در جرایم غیر عمد جایگاه رابطه استناد، رکن روانی است زیرا نتیجه باید به خطای جزایی اسناد داده شود و خطای جزایی جزئی از رکن روانی جرایم غیر عمدی محسوب می‌گردد، می‌گوید: «باید توجه داشت که خطای جزایی، واجد دو جنبه مادی و ذهنی است و ضرورت اسناد زیان به خطای جزایی به وجه مادی آن معطوف است نه جنبه‌هایی که به پیش‌بینی حدوث نتیجه مربوط است» (همان: ۴۷ - ۴۸).

به‌طور کلی اجتماع اسباب متعدد به دو صورت ممکن است:

صورت اول: اینکه همه اسباب متعدد غیر مجاز (نامتعارف بودن عمل، بدون اذن بودن یا غیر قانونی بودن آن) نباشند بلکه بعضی از آنها غیر مجاز و بعضی دیگر مجاز باشند.

در این صورت که فقط یکی از اسباب غیر مجاز است با توجه به اینکه شرط مسئولیت سبب، غیر مجاز (عدوانی) بودن آن است، بنا بر نظر مشهور فقها و مطابق ماده ۵۳۶ ق.م.ا، اسباب متعددی (غیر مجاز) ضامن‌اند و اسباب غیر عدوانی مسئولیتی ندارند.

صورت دوم: همه اسباب متعدد که در جنایت مؤثر هستند غیر مجاز (عدوانی) باشند.

در این صورت که همه اسباب متعدد در جنایت غیر مجاز (عدوانی) باشند، سه حالت متصور است.

حالت نخست چنانچه همه اسباب مؤثر در وقوع نتیجه غیر عامد باشند: در این حالت، هر چند رفتار مرتکبان غیر مجاز بوده و تقصیر آنها ثابت است، اما عمد یا سوء نیتی وجود ندارد و قانون‌گذار در چنین شرایطی سبب مقدم در تأثیر را ضامن جنایت دانسته است.

حالت دوم، همه اسباب دخیل در جنایت عامدند: در این حالت، همه مرتکبان به شرح قسمت اخیر ماده ۵۳۵ ق.م.ا شریک در جرم محسوب می‌شوند.

حالت سوم، برخی اسباب عامد هستند و برخی دارای تقصیر: مانند آنکه کندن چاه از روی سوء نیت باشد و گذاشتن سنگ از روی تقصیر یا سهل‌انگاری. قانون‌گذار در مورد این حالت ساکت است. برخی بر این باورند که در این حالت نیز سبب مقدم در تأثیر ضامن خواهد بود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۵۸) اما این نظر قابل انتقاد است، چرا که با وحدت ملاک از قسمت اخیر ماده ۵۳۶ ق.م.ا که مقرر می‌دارد: «اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است»، مسئولیت بر عامد تحمیل می‌شود؛ خواه سبب مقدم در تأثیر باشد، یا مؤخر بر آن.

نتیجه

به طور کلی مبنای اصلی مسئولیت، وجود رابطه علیّت و سببیت است به اعتقاد بعضی از فقها و حقوق دانان مهم ترین معیار برای احراز علیّت، رجوع به منطق و نظر عرف است. برای احراز رابطه علیّت باید به نوع مداخله عوامل و اینکه نوع رفتار مرتکبان در قالب تعدد اسباب است یا تعدد مباشر و یا اجتماعی از هر دو، در نظر گرفته شود و پس از آن به مواد قانونی استناد کرد. باتوجه به ماده ۵۲۶ در اجتماع سبب و مباشر (صرف نظر از اینکه کدام سبب هست و کدام مباشر) عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است هر چند سبب باشد و در صورت تساوی تأثیر عمل مباشر و مسبب هر دو به طور مساوی عهده دار مسئولیت جنایت خواهند بود و انتساب صدمه و ضرر به عامل یا عوامل صدمه و ضرر به تشخیص عرف واگذار کرده است. اینکه مقنن در موارد اجتماع سبب و مباشر، بدون ارائه ضابطه مشخص، ملاک انتساب را به فهم عرفی واگذار کرده است به معنای عدم اتخاذ رویه واحد توسط دادرسان است و از آنجاکه تشخیص ضابطه، امر عرفی نیست بلکه از امور عقلی و واقعی است این امر نباید به عرف دادرسان واگذار شود. بدون شک عدم ارائه ضابطه مشخص، سرگردانی دادرسان و اختلاف احکام در موضوع واحد را در پی خواهد داشت.

قانون گذار در ماده ۵۳۵ ابتدا، سبب مقدم در تأثیر را مسئول شمرده است و در ادامه بدون تفکیک اسباب دور از نزدیک و یا تمیز شرکت از معاونت، همه اسباب عامد را به طور مساوی، ضامن دانسته است. همچنین با ذکر عبارت «... مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند...». باتکیه بر عمد و قصد عوامل، رابطه استناد را ذهنی و غیرمادی تصور کرده است و این در حالی است که رابطه علیّت از اجزاء رکن مادی جرم است.

فهرست منابع

- آزمایش، علی، (۱۳۸۲)، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی دوره دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران.
- آقایی‌نیا، حسین، (۱۳۹۶)، حقوق کیفری اختصاصی؛ جرائم علیه اشخاص (جنایات)، نشر میزان، تهران، چاپ شانزدهم.
- عوده، عبدالقادر، (بی تا) التشریح الجنایی مقارناً بالقانون الوضعی، ج ۲، نشر دار الکتب العلمیة، بیروت، لبنان.
- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۷۸)، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، نشر میزان، تهران، چاپ دوم.
- جبعی عاملی، زین‌الدین، شهید ثانی، (۱۳۸۷)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة؛ کتاب قصاص — دیات، جلد ۱۰، مترجم: حمید مسجدسرای، انتشارات حقوق اسلامی، قم، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۷)، ترمینولوژی حقوق، نشر کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ دوم.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد، (۱۳۹۱)، استناد و نقش آن در شرکت در جرم، مجله تحقیقات حقوقی، بهار، شماره ۵۳.
- خمینی، سید روح‌الله (بی تا)، تحریر الوسیله، جلد ۴، مترجم: علی اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۲۲)، مبانی تکملة المنهاج، جلد ۲، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، قم، چاپ اول.
- رستمی، هادی و هادی شعبانی کند سری، (۱۳۹۵)، احراز رابطه سببیت در فرض مداخله عوامل گوناگون در جنایات و خسارات مالی (با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، تابستان، شماره ۱۵.
- سبحانی، جعفر، محمد رضایی، محمد، (۱۳۸۷) اندیشه اسلامی ۱، دفتر نشر معارف تهران، چاپ ۴۹.
- شیروانی، علی، (بی تا)، ترجمه و تبیین الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة؛ کتاب قصاص و دیات، جلد ۱۴، انتشارات دارالعلم، قم.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۹۳)، اجتماع سبب و مباشر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، تابستان، شماره ۲.
- صادقی، محمدهادی، (۱۳۸۷)، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه اشخاص)، نشر میزان، تهران، چاپ پانزدهم.
- طاهری‌نسب، سیدیزدالله، (۱۳۸۸)، رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول.
- قیاسی، جلال‌الدین، (۱۳۹۴)، تسبیب در قوانین کیفری، انتشارات جنگل، تهران، چاپ سوم.
- محسنی، فرید و نصیر ملکوتی، رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجله حقوقی دادگستری، پاییز، شماره ۹۱.
- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۹۳)، جرائم علیه اشخاص (حقوق کیفری اختصاصی)، نشر میزان، تهران، چاپ هفدهم.
- نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴)، جواهرالکلام، جلد ۳۷ و ۴۱، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.

منابع لاتین

Hart, H.L.A. & Honoré, Tony, (۱۹۸۵) , Causation in the Law, Clarendon Press, Oxford, Second Edition.

Review Establishing a causal relationship in assuming a multitude of factors in the occurrence of crime against the soul in Iranian law

the importance of establishing that causation becomes apparent when there are numerous causes and devices involved in the criminal outcome. Sometimes these factors are intertwined, which means that the effect of the factors on the outcome (crime against self) does not stop at each other, but independently and simultaneously with the influence of other factors, resulting in a single outcome, although the timing of each of the late factors occurs. Or precede another. And sometimes they come together in the sense that the influence of factors is not simultaneous and that they indirectly contribute to the outcome, and that crime is not documented by all factors. The Islamic Penal Code of 1392 on community cause and effect stipulates the customary assignment of the crime as a criminal offense and the extent to which each of the cause and effect stipulates their liability. In the event of a transgressor being overcrowded, the criminal outcome shall be taken into account for all the factors. Also, in assuming the transgression of the transgressions to the equality of responsibility given to the longitudinal community of toys, the legislator in Article 535 first accepted the foregoing effect but continued by bringing Something has gone astray from this rule.

Keywords: Casual relation, causation, manslaughter (felony against self), revocative and proctor, assembly of things

